

شیوه‌های حل تعارض قواعد در حقوق بین‌الملل در پرتو سلسله مراتب هنجاری

مؤلف:

دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد



مؤسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی

تهران-۱۳۹۵

سرشناسه	حسینی اکبرنژاد، حوریه، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	شیوه‌های حل تعارض قواعد در حقوق بین‌الملل در پرتو سلسله مراتب هنجاری / مولف حوریه حسینی اکبرنژاد
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۴۲۰ ص
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴-۴۵-۳
وضعیت فهرست نویسی	قبا
یادداشت	ص.ع به انگلیسی: Hoorieh Hosseini Akbarnezhad. Methods of Conflict Resolution
یادداشت	Rules of International Law in the Light of Normative Hierarchy
موضوع	کتابنامه: ص. [۳۹۹] - ۴۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع	حقوق بین‌الملل خصوصی
موضوع	Conflict of laws
موضوع	حقوق بین‌الملل
موضوع	International law
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ش ۹/ج۵-۴۰/ک۷
رده بندی دیویی	۳۴۰/۹
شماره کتابشناسی	۴۲۷۷۵۶۳

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهردانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید.

www.shahredaneh.com

عنوان : شیوه‌های حل تعارض قواعد در حقوق بین‌الملل در پرتو سلسله مراتب هنجاری

مؤلف : دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد

ناشر : مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش

نوبت چاپ : اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۵

شمارگان : ۱۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴-۴۵-۳

بها : ۲۵,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران - خیابان کریم خان زند - خیابان سنایی - خیابان نهم - خیابان گیلان - پلاک ۵
کدپستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰
Website: www.sdil.ac.ir Email: publication@sdil.ac.ir

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفا می‌نماید. انجمن‌دانشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق، که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و بجارب عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تحویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

قانونگذار فهیم و آگاه، هیچ‌گاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترای حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت، و هیچگاه مصوبات قبلی خویش را دائی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق و حوزه‌های علمیه که به مأموریت خط تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران، و اساتید حقوق و فقه دست می‌گذارند علاوه بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً در خدمت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکتترین حقوقی کشور بر عهده دارند.

جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی در توسعه کمی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکتترین حقوقی مورد نیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش که همواره سعی داشته است علاوه بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتاب‌های حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات سرکار خانم دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد در تألیف کتاب «شیوه‌های حل تعارض قواعد در حقوق بین‌الملل در پرتو سلسله مراتب هنجاری» را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورد استفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

www.ketab.ir

پیشگفتار

خداوند، تو را سپاس،
که از نعمت هستی به خودارمان نمودی و در مرکبی از محبت و معرفت در آغاز
جاده سرسبز و بی‌منهای مال و علم‌آموزی قرارمان دادی و بر ما نهادی که این مسیر
را با قوت تا رسیدن به سر منزل مقصود طی نماییم.

و تو مهربانی، پس در پیمودن راه تنه‌م نداشتی و همواره ستارگان پرفروغی از
جانب تو، بی‌دریغ مسیر گذر روزگاران را روشنایی بخشیدند، سلام و درود تو بر آن
برگزیدگان پاک.

و تو رب‌العالمینی، ما را از وجود مربیان دانا و به‌رمند نمودی، آنانی که
عشق را از تو به ودیعه گرفته‌اند.

از محضر استاید بزرگوار، خصوصاً استاد گرانقدر، جناب آلاء، دکتر سید قاسم زمانی
که همواره با رهنمودهای روشن‌گرانه‌شان و حمایت‌های بی‌درنگ‌شان، زمینه رشد و
شکوفایی دانشجویان رشته حقوق بین‌الملل در مقاطع تحصیلات مختلف را فراهم
آورده‌اند، نهایت قدردانی و سپاسگزاری را ابراز می‌دارم و توفیقات روزافزون ایشان را از
خداوند متعال مسالت دارم.

از مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش که در عرصه گسترش و اعتلای
دانش حقوق اهتمام شایان توجهی دارند و تاکنون گام‌های مؤثری برداشته‌اند،
سپاسگزارم که زمینه را برای چاپ و انتشار این اثر فراهم نمودند.

فهرست اجمالی

۲۷	مقدمه
۳۵	فصل اول: تعارض میان قواعد در حقوق بین الملل
۳۷	مبحث اول: تکثر نظام‌های حقوقی در حقوق بین الملل: معضل تورم هنجاری
۹۱	مبحث دوم: تعریف تعارض در استریم و رویه سازمان‌های بین المللی
	مبحث سوم: توسعه نظام حقوق بین الملل بشر و افزایش بروز تعارض در نظام
۱۳۷	غیرمتمرکز حقوق بین الملل
	مبحث چهارم: بروز تعارض میان قواعد حقوق بین الملل و اقتضائات نظام کنونی
۱۶۰	حقوق بین الملل
۱۸۷	فصل دوم: حقوق بین الملل بشر و حل تعارض میان قواعد
۱۸۹	مبحث اول: حقوق بین الملل کلاسیک؛ حقوق ناشی از همزیستی و بدون سلسله مراتب
	مبحث دوم: شیوه‌های حل تعارض میان قواعد بر مبنای تفکیک میان منابع حقوق
۲۱۱	بین الملل
۲۴۰	مبحث سوم: تخصیص نظام حقوق بین الملل عام به نظام‌های حقوقی متعدد
	مبحث چهارم: سلسله مراتب هنجاری و حل تعارض میان نظام حفظ ملل متحد
	مبحث پنجم: انسانی‌تر شدن شیوه‌های حل تعارض میان قواعد در حقوق بین الملل
۳۴۳	معاصر
۳۸۵	نتیجه

فهرست تفصیلی

۶	علائم اختتامی
۹	پیشگفتار
۲۷	مقدمه

فصل ۱

تعارض میان قواعد در حقوق بین الملل ۳۵

۳۷	مبحث اول: تكثر نظام‌های حقوقی در حقوق بین الملل معاصر - تورم هنجاری
۳۸	جزء اول: تورم هنجاری و هنجارهای دارای منابع چندگانه در حقوق بین الملل
۳۹	الف - تورم هنجاری در حقوق بین الملل
۴۲	ب - فقدان تمرکز قانونگذاری در جامعه بین المللی
۴۵	۱- تعیین ناپذیری حقوق
۴۷	۲- ماهیت موسع منابع حقوق بین الملل
۴۷	۱-۲- معضل تعیین منابع حقوق بین الملل
۴۸	۲-۲- نامعین بودن آستانه نورماتو (هنجاری)
۴۹	۳-۲- ابهام در محتوای هنجارهای حقوق بین الملل
۵۱	ج- نقش سازمان‌های بین المللی در ایجاد قواعد معارض
۵۲	۱- افزایش هنجارهای بین المللی در راستای تقویت همکاری‌های بین المللی
۵۴	۲- جایگاه سند تاسیس سازمان‌های بین المللی در سلسله مراتب میان قواعد

- ۵۷- ۳- نامحدود بودن مدت اعتبار اسناد تاسیس سازمان‌های بین‌المللی
- ۵۹- ۴- اسناد تاسیس سازمان‌های بین‌المللی: واجد خصیصه «عام بودن»
- ۶۰- جزء دوم: مبنای حقوق بین‌الملل بشر: ارتقای جایگاه «فرد» در نظام حقوق بین‌الملل
- ۶۱- الف- رویکرد علمای حقوق در مورد جایگاه فرد در حقوق بین‌الملل
- ۶۱- ۱- رویکرد علمای مکاتب کلاسیک
- ۶۱- ۱-۱- حقوق طبیعی
- ۶۳- ۱-۲- مکتب پوزیتیویسم
- ۶۴- رویکرد مکاتب مدرن
- ۶۷- ب- شرایط و ویژگی‌های خاص «فرد» به عنوان تابع حقوق بین‌الملل
- ۶۸- ۱- فرد: سران، ارنده حق و تکلیف در حقوق بین‌الملل
- ۶۹- ۲- ضابطه لزوم شرکت فرد در روند قانونگذاری در حقوق بین‌الملل
- جزء سوم: جایگاه معاهدات حقوق بشری در نهادهای سازی حمایت از فرد
- ۷۰- در حقوق بین‌الملل
- ۷۱- الف- مبنای قواعد حقوق بشری
- ۷۲- ب- حمایتی بودن، محور معاهدات حقوق بشری
- ۷۳- جزء چهارم: تأثیر متقابل نظام‌های حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشر
- ۷۳- الف- بین‌المللی شدن حقوق بشر
- ۱- نظام حقوق بین‌الملل بشر به عنوان یک نظام نهاد به شده برتر
- ۷۴- در حقوق بین‌الملل
- ۷۶- ۲- چگونگی مقایسه میان نظام‌های جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری
- ۷۶- ۳- حقوق بشر و نهادهای سازی حقوق بین‌الملل
- ۷۸- ب- قواعد حقوق بشری: واجد خصیصه قوانین ناظر بر نظم عمومی جامعه بین‌المللی
- ۷۹- ۱- روند انسانی‌تر شدن حقوق بین‌الملل
- ۸۰- ۲- روند تکاملی حمایت از انسان در حقوق بین‌الملل
- ۳- مدرج شدن قواعد حقوق بین‌الملل در پرتو مفهوم «نظم عمومی جامعه بین‌المللی»
- ۸۲- ۴- قانون اساسی، قواعد آمره و قواعد عام‌الشمول
- ۸۴- ۱-۴- حقوق اساسی و تعهدات عام‌الشمول
- ۸۵- ۲-۴- حقوق بشر، به مثابه حقوق اساسی در جامعه بین‌المللی
- ۸۶-

۸۹	۳-۴- «أمره» بودن تعهدات حقوق بشری
۹۲	مبحث دوم: تعریف تعارض در دکترین و رویه سازمان‌های بین‌المللی
۹۳	جزء اول: تعریف مضیق رایج از مفهوم تعارض
۹۳	الف- نتایج عملی تعریف مضیق
۹۳	ب- ارزیابی منتقدانه تعریف مضیق «تعارض»
۹۴	ج- تعریف «تعارض» و تفاوت آن با «تزامم» در حقوق داخلی
۹۶	جزء دوم: تعریف مناسب: تعریف موسع با تأکید بر نقض هنجارها
۹۶	جزء سوم: انواع تعارض بر مبنای ماهیت قواعد و هنجارها
۹۶	الف- تعارض میان هنجارها و تعارض میان نظام‌ها
۹۸	ب- انواع تعارض هنجاری
۹۸	۱- هنجار علیه عنصر تشکیل دهنده هنجار و هنجار علیه فرآیند
۱۰۱	۲- هنجار علیه قوانین هنجاری علیه تعهدات
۱۰۲	ج- انواع تعارض بر مبنای ماهیت تعهدات و دولت‌ها
۱۰۳	۱- تعارض نوع اول: تعارض میان تعهدات مبتنی بر
۱۰۳	۲- تعارض نوع دوم: تعارض میان یک تعهد مثبت و یک تعهد منفی
۱۰۴	۳- تعارض نوع سوم: تعارض میان یک تعهد مثبت و یک حق (معافیت)
۱۰۵	۴- تعارض نوع چهارم: تعارض میان یک تعهد منفی و یک حق (مجوز)
۱۰۶	د- ارزیابی تعریف «تعارض» در رویه سازمان جهانی تجارت
۱۰۷	۱- تعریف موسع: امکان بروز تعارض میان یک تعهد و یک حق
۱۰۷	۲- تعریف مضیق: تعارض میان دو تعهد
۱۰۹	۳- تعریف موسع ناظر بر تمامی چهار نوع تعارض
۱۱۰	۴- دلایل لزوم ارائه تعریف موسع‌تر از مفهوم «تعارض» در سازمان جهانی تجارت
۱۱۱	جزء چهارم: شیوه‌های پیشگیری از بروز تعارض
۱۱۲	الف- همکاری در راستای پیشگیری از بروز تعارض
۱۱۳	ب- اصل عدم وجود تعارض
۱۱۳	۱- آثار اصل عدم وجود تعارض
۱۱۵	۲- محدودیت‌های اصل عدم تعارض
۱۱۶	ج- توسعه پایدار و حل تعارض میان قواعد

- ۱۱۹ د- تفسیر معاهده به عنوان یک ابزار برای جلوگیری از بروز تعارض
- ۱۱۹ ۱- محدودیت‌های ذاتی تفسیر معاهده
- ۱۲۰ ۲- تفسیر در سیاق مفاد دیگر معاهده
- ۱۲۰ ۳- اصل تفسیر مؤثر معاهده
- ۱۲۱ ۴- تفسیر با استناد به هنجارهای خارج از معاهده
- ۱-۴- تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل با لحاظ نمودن خصیصه «عام‌الشمول بودن» قواعد حقوق بشر
- ۱۲۱ ۲-۴- هر موتیک مدرن و «انسانی‌تر شدن» تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل
- ۱۲۵ ۵- استناد به دیگر قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل
- ۱-۵- اصل رعایت وابستگی و یکپارچگی قواعد حقوق بین‌الملل بشر در رویه
- ۱۲۶ نهاد های حارق بشری
- ۱۲۷ ۲-۵- تفسیر اساسی از تعهدات حقوق بشری
- ۱۲۹ ۵-۲-۱- سه اصلیت رلت‌ها در عملیات حفظ صلح
- ۵-۲-۲- قضیه dan oviat رویکردی متفاوت در تفسیر معاهدات حقوق بشری
- ۱۳۰ ۶- قواعد لازم‌الاجرا در روابط بین‌المللی و اختلاف
- ۱۳۸
- مبحث سوم: توسعه نظام حقوق بین‌الملل بشر و افزایش بروز تعارض در نظام غیرمتمرکز حقوق بین‌الملل
- ۱۳۹
- جزء اول: تعارض میان هنجارها و تعارض میان نظام‌ها در حقوق بین‌الملل
- ۱۴۰ الف- تعارض میان قواعد حقوق بین‌الملل: تعارض هنجاری
- ۱۴۰ ب- توسعه طولی و عرضی حقوق بین‌الملل بشر و تعارض با قواعد سایر نظام‌های حقوق بین‌الملل
- ۱۴۲
- جزء دوم: بروز تعارض میان قواعد در روند تدریجی نهادینه شدن حقوق بین‌الملل بشر
- ۱۴۴
- الف- حل تعارض میان قواعد در پرتو اصل «حسن نیت»
- ۱۴۹
- ب- جایگاه قواعد حقوق بشری با استناد به ماده ۱۰۳ منشور
- ۱۵۰ ج- تعهدات معاهده ای معارض با ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد و اعلامیه روابط دوستانه
- ۱۵۳

- ۱۵۳ جزء سوم: موازنه میان قواعد حقوق بشر و نظام حقوقی ملل متحد
- ۱۵۴ الف- تعهد به احترام به حقوق بشر بر طبق منشور ملل متحد
- ۱۵۵ ب- تفسیر تکاملی قواعد در پرتو توسعه حقوق بین الملل بشر
- ۱۵۷ جزء چهارم: حقوق بین الملل بشر: تعهد در قبال جامعه بین المللی
- الف- مسئولیت بین المللی دولت‌ها در قبال عدم رعایت اولویت منافع جامعه
- ۱۵۸ بر سایر قواعد حقوق بین الملل
- ۱۵۹ ب- تکمیل کنندگی حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل عام
- ج- تعهد به همکاری همه اعضای جامعه برای پایان دادن به نقض
- ۱۶۱ حقوق بین الملل بشر

مبحث چهارم: بروز تعارض میان قواعد حقوق بین الملل از اقتضائات

- ۱۶۲ نظام کنونی حقوق بین الملل
- ۱۶۳ جزء اول: مروری بر عوامل بروز تعارض در حقوق بین الملل معاصر
- ۱۶۳ الف- چهار دلیل ذاتی در ماهیت حق بین الملل
- ۱۶۴ ۱- کثرت قانونگذاران (سازان) در سطح بین المللی
- ۱۶۵ ۲- تحول قواعد حقوق بین الملل در بستر زمان
- ۱۶۶ ۳- کثرت قانونگذاران در سطح داخلی
- ۱۶۸ ۴- فقدان دادرسی متمرکز
- ۱۶۹ ب- تعارض میان قواعد ناشی از توسعه و تحول حقوق بین الملل معاصر
- ۱- انتقال از حقوق مبتنی بر همزیستی به حقوق مبتنی بر همکاری برای تحقق حقوق
- ۱۷۰ بین الملل بشر
- ۱۷۰ ۲- افزایش معاهدات چندجانبه قانون ساز
- ۱۷۲ ۱-۲- عدم رعایت تقابل در تعهدات حقوق بشری در صورت بروز تعارض
- ۱۷۳ ۲-۲- اصل التزام دولت‌ها در قبال قواعد عرفی بین المللی
- ۱۷۴ ۳-۲- اصول کلی حقوقی: سایر اجزای سازنده قانون اساسی جامعه بین المللی
- ۱۷۴ ۳- جهانی سازی و وابستگی متقابل دولت‌ها برای حمایت از حقوق بشر
- ۱۷۵ ۴- تغییر رویکرد به سمت ایجاد یک سلسله مراتب هنجاری میان قواعد
- ۱۷۵ ۵- افزایش تعداد مراجع بین المللی حل و فصل اختلافات
- ۱۷۷ جزء دوم: ظهور یک سلسله مراتب هنجاری در حقوق بین الملل

- الف- آثار به رسمیت شناختن سلسله مراتب هنجاری با برتری قواعد آمره ۱۷۷
- ۱- ظهور قواعد آمره ۱۷۸
- ۲- جایگاه قواعد آمره در منابع حقوق بین‌الملل ۱۷۹
- ۳- قواعد آمره: برآیند اراده مشترک جامعه بین‌المللی ۱۸۱
- ۴- قاعده آمره و سلسله مراتب میان عرف و معاهده ۱۸۲
- ب- وجود حقوق غیرقابل تعلیق در حقوق بین‌الملل بشر ۱۸۳
- ۱- تعلیق اجرای حقوق بشر: حل تعارض میان اصل حاکمیت دولت‌ها و تعهدات حقوق بشری آنها ۱۸۵
- ۲- شرایط مشروعیت تعلیق ۱۸۷

فصل دوم:

حقوق بین‌الملل بشر و حل تعارض میان قواعد ۱۸۹

مبحث اول: حقوق بین‌الملل کلاسیک حقوق ناشی از همزیستی و بدون سلسله مراتب

۱۹۱

جزء اول: محوریّت حاکمیت دولت‌ها در قانونگذاری و اجرا

۱۹۱

الف- دوطرفه بودن سیستم اجرا

۱۹۲

ب- اصل بنیادین برابری حاکمیت دولت‌ها

۱۹۳

جزء دوم: اجرای قواعد کلاسیک حقوق معاهدات در صورت بروز تعارض هنجاری

۱۹۴

الف- حل تعارض میان «قواعد» حقوق بین‌الملل بر مبنای ماده ۳۰ کنوانسیون

۱۹۶

حقوق معاهدات وین (۱۹۶۹)

۱۹۸

۱- سلسله مراتب میان معاهدات (بند ۱)

۱۹۸

۱-۱- معاهدات متضمن قواعد آمره

۱۹۸

۲-۱- معاهدات قانون ساز یا عام

۱۹۹

۳-۱- منشور ملل متحد

۱۹۹

۲- ماده ۳۰ و قواعد آمره

۲۰۰

۳- قیود صریح تعارض (بند ۲)

۲۰۳

۴- اولویت معاهده لاحق به شرط یکسان بودن طرف‌ها (بند ۳)

۲۰۴

۵- حل تعارض میان معاهدات در صورت یکسان نبودن طرف‌ها

- ۲۰۴ ۶- تفکیک میان انواع معاهدات در بیش‌توس و لیه بند ۴
- ۲۰۵ ۱-۶- معاهدات متضمن تکالیف متقابل
- ۲۰۵ ۲-۶- معاهدات موجد تعهدات وابسته
- ۲۰۶ ۳-۶- معاهدات متضمن منافع جامعه بین‌المللی
- ۲۰۶ ۴-۶- اولویت و تقدم معاهدات همبسته و معاهدات متضمن منافع جامعه بین‌المللی
- ۲۰۷ ۷- احاله به سایر مقررات معاهده ۱۹۶۹ (بند ۵)
- ۲۰۷ ب- ماده ۳۰ و انسیون ۱۹۸۶
- الف- تعیین‌کننده بودن عامل «زمان» در شیوه‌های کلاسیک حل تعارض؛
- ۲۰۸ تقدم قاعده «مؤخر»
- ۲۱۰ ب- قانون مؤخر، مخیر، قانون مقدم و قانون خاص، مخصص قانون عام
- ۲۱۰ جزء سوم: شیوه‌های حل تعارض میان معاهدات در قواعد حقوق بین‌الملل عرفی
- ۲۱۱ الف- تقدم معاهده مؤخر بر معاهده مقدم
- ۲۱۱ ب- تقدم معاهده خاص بر معاهده عام
- ۲۱۱ ج- سلسله مراتب میان هنجارها
- ۲۱۲ د- تقدم معاهدات اصلی بر معاهدات اجراکننده آن
- ۲۱۲ ه- الفای معاهدات موجود برای پایان دادن به تعارض
- ۲۱۲ و- تقدم قصد و نیت قانونگذار
- ۲۱۲ ز- اصل حداکثر کارآمدی

مبحث دوم: شیوه‌های حل تعارض میان قواعد بر مبنای تفکیک میان منافع حقوق

- ۲۱۳ بین‌الملل
- ۲۱۴ جزء اول: عرف و معاهدات
- ۲۱۵ الف- نقش‌آفرینی معاهدات به عنوان عنصر مادی ساخت عرف
- ۲۱۶ ب- عدم وجود سلسله مراتب میان معاهده و عرف
- ۲۱۸ ج- برتری معاهدات بر عرف در عمل
- ۲۲۰ د- اعتبار نسبی عرف و معاهده (تعارض میان عرف و معاهده)
- ۲۲۲ ه- اصلاح عرف مقدم توسط معاهده مؤخر
- ۲۲۳ و- تغییر عرف مؤخر توسط معاهده مقدم

- ۲۲۶ ز- عرفی شدن قواعد و قابلیت استناد در قبال همه دولت‌ها
- ۲۲۶ ح- حل تعارض میان قواعد با استناد به عرفی شدن حقوق بین‌الملل بشر
- ۲۲۷ ۱- روند عرفی شدن قواعد حقوق بشر و تضعیف رضایی بودن حقوق بین‌الملل
- ۲۲۸ ۲- نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در عرفی شدن قواعد حقوق بشر
- ۲۲۸ ۱-۲- تسهیل شرایط تبدیل یک قاعده معاهده ای به قاعده عرفی
- ۲۲۸ ۲-۲- ظهور مبانی غیرسنتی: به چالش کشیدن منابع حقوق بین‌الملل
- ۲۲۹ ۱-۲-۲- وارد کردن قواعد حقوق بشر در حقوق بین‌الملل عرفی
- ۲۲۹ ۲-۲-۲- باز تفسیر جایگاه رویه دولت‌ها و اعتقاد حقوقی در ایجاد قواعد حقوق بشری عرفی
- ۲۳۰ جزء دوم: اصول کلی حقوقی
- ۲۳۱ الف- چهار دسته از اصول کلی حقوقی
- ب- اصول کلی حقوقی به عنوان منابع ثانویه اما دارای اهمیت و نقش سیستمی مهم
- ۲۳۲
- ۲۳۵ جزء سوم: تصمیمات قضایی و دکترین
- ۲۳۶ الف- ارزش حقوقی تصمیمات قضایی و دکترین
- ۲۳۶ ب- تعارض میان تصمیمات قضایی
- ۲۳۷ جزء چهارم: اقدامات یکجانبه دولت‌ها و اقدامات سازمان‌های بین‌المللی
- ۲۳۷ الف- اقدامات یکجانبه الزام‌آور دولت‌ها
- ۲۳۸ ب- اقدامات الزام‌آور سازمان‌های بین‌المللی
- ۲۳۹ ج- ارزش و اعتبار حقوقی تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی
- ۲۴۰ د- چگونگی ارتباط تصمیمات سازمان بین‌المللی با هنجارهای خارج از سازمان
- ۲۴۰ ه- تعارض میان مصونیت سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل بشر
- ۲۴۳ مبحث سوم: تخصیص نظام حقوق بین‌الملل عام به نظام‌های حقوقی متعدد
- ۲۴۳ جزء اول: ظهور قواعد اولیه و ثانویه در حقوق بین‌الملل
- ۲۴۴ الف- امکان همپوشانی میان قواعد و هنجارهای نظام‌های حقوقی خاص
- ب- یکپارچه‌سازی نظام‌های متعدد حقوق بین‌الملل از طریق ایجاد سلسله مراتب میان قواعد
- ۲۴۶ ۱- لزوم رعایت ملاحظات حقوق بشری در اجرای قواعد حقوق بین‌الملل

۲۴۷	۲- حقوق بین‌الملل عام: هنجارهای آمره و ثانویه
۲۴۷	۳- بین‌المللی شدن حقوق بشر
۲۴۸	جزء دوم: جایگاه حقوق بین‌الملل بشر در سلسله مراتب میان منابع
۲۴۸	الف- فقدان یک سلسله مراتب رسمی در منابع حقوق بین‌الملل
۲۵۰	ب- رضایی بودن حقوق بین‌الملل کلاسیک: قانون مؤخر، مخصص قانون مقدم
۲۵۲	ج- شکل‌گیری سلسله مراتب در پرتو توسعه حقوق بین‌الملل
۲۵۲	۱- تقدم مطلق قاعده آمره
۲۵۳	۲- بر هنجارهای مهم در حقوق بین‌الملل
۲۵۳	۳- تعهدات مبتنی بر منشور ملل متحد
	۳-۱ ماده ۱۰۱ و ایجاد یک سلسله مراتب میان قواعد و هنجارها
۲۵۴	در حقوق بین‌الملل
۲۵۶	۲-۳ منشور عنوان یک چارچوب هنجاری
	۳-۳ عدم تسری سهولت، اصول اساسی منشور ملل متحد با قطعنامه‌های
۲۵۷	شورای امنیت
۲۵۷	۴- منشور ملل متحد به مثابه یک «قانون اساسی»
۲۵۹	۴-۱ برتری و جامعیت قانون اساسی
۲۵۹	۴-۲ ماهیت پویا و تکاملی منشور ملل متحد
۲۶۰	۴-۳ ماده ۱۰۳ و برتری تصمیمات شورای امنیت، بر قواعد معارض
۲۶۲	۴-۴ دلایل قانون اساسی بودن منشور
	۴-۵ تعارض میان جهانی‌سازی و حاکمیت؛ چالش میان منافع انفرادی
۲۶۳	دولت‌ها و منافع انسانی
۲۶۶	۵- تعهدات عام‌الشمول
۲۶۷	۶- هنجارهای مرتبط با منفعت عمومی
۲۶۸	جزء سوم: حقوق بین‌الملل؛ حقوق مبتنی بر همکاری و منافع جامعه
۲۶۹	الف- حقوق همکاری و منافع جامعه: سلسله مراتب در حقوق بین‌الملل
۲۶۹	ب- آثار به رسمیت شناختن سلسله مراتب هنجاری بر حقوق بین‌الملل عرفی
۲۷۰	۱- تعهدات عام‌الشمول در حقوق بین‌الملل بشر
۲۷۴	۲- قواعد آمره
۲۷۷	جزء چهارم: شیوه‌های حل تعارض بر مبنای ماهیت قواعد

- الف- اختتام یکی از هنجارها یا قواعد
- ۲۷۸
- ۱- بی‌اعتبار شدن یک هنجار، بدلیل مغایرت با قاعده آمره
- ۲۷۸
- ۲- اختتام یک معاهده به وسیله یک معاهده دیگر
- ۲۸۰
- ۳- اقدامات مغایر با سند مؤسس سازمان‌های بین‌المللی
- ۲۸۱
- ۴- عدم اعتبار به دلیل فقدان صلاحیت
- ۲۸۲
- ۱-۴- برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از «صلاحیت خاص»
- ۲۸۲
- ۲-۴- تئوری اختیارات ضمنی
- ۲۸۲
- ۵- عدم اعتبار به دلیل اعمال صلاحیت خارج از حیطه اختیارات
- ۲۸۴
- ۶- بازنگری قضایی در مورد احراز اعتبار اقدامات سازمان‌های بین‌المللی
- ۲۸۴
- ۱-۶- فرض اعتبار اقدامات سازمان‌های بین‌المللی
- ۲۸۴
- ۶- صلاحیت بازنگری بر اعتبار اقدامات سازمان‌های بین‌المللی:
- ۲۸۵
- وضعیت شورای اروپا و ملل متحد
- ۲۸۷
- ب- غیرقانونی بودن یکی از هنجار معارض
- ۲۸۹
- ج- اولویت هنجارهای حقوق بشری بر مبنای قاعده «قانون مطلوب‌تر»
- ۲۹۱
- ۱- ارزیابی قاعده «قانون مطلوب‌تر»
- ۲۹۱
- ۲- استثنائات قاعده
- ۲۹۱
- ۱-۲- منع تبعیض
- ۲۹۲
- ۲-۲- منافع جامعه
- ۲۹۳
- ۳- تأثیر کثرت نهادهای نظارتی بر اعمال قاعده «قانون مطلوب‌تر»
- مبحث چهارم: سلسله مراتب هنجاری و حل تعارض میان نظام حفظ ملل متحد
- ۲۹۴
- در حفظ صلح و امنیت و نظام حقوق بین‌الملل بشر
- ۲۹۸
- جزء اول: حمایت از حقوق بشر: دستاوردها و چالش‌های شورای امنیت
- الف- تعارض میان تعهدات حقوق بشری و تعهدات مبتنی بر قطعنامه‌های شورای امنیت
- ۲۹۸
- ۱- تعهد به احترام به حقوق بشر بر طبق منشور ملل متحد
- ۲۹۹
- ۲- حقوق بین‌الملل و حقوق بشر
- ۳۰۰
- ب- حدود التزام شورای امنیت به قواعد حقوق بشر در زمینه اعمال تحریم‌های اقتصادی
- ۳۰۲
- ۱- حق حیات
- ۳۰۴

- ۲- حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی ۳۰۵
- ۳- حق سلامت و بهداشت ۳۰۵
- ۴- حق آموزش ۳۰۵
- ۵- حق توسعه ۳۰۶
- ج- محدودیت‌های شورا به موجب قواعد حقوق بشر دوستانه ۳۰۷
- د- تحریم‌های هدفمند: روندی رو به انسانی‌تر شدن تحریم‌ها یا عامل نقض حقوق بشر؟ ۳۰۷
- ه- محدودیت‌های شورای امنیت در اقدام بر طبق فصل هفتم منشور ملل متحد ۳۰۹
- ۱- حقوق معاهده‌ای ۳۰۹
- ۲- حقوق بشر "الملل عرفی" ۳۱۰
- ۳- اصول کلی حقوقی ۳۱۲
- و- محدودیت‌های شورای امنیت در اقدام بر طبق فصل هفتم منشور ملل متحد ۳۱۳
- بر اساس سلسله مراتب میان قواعد حقوق بین‌الملل ۳۱۳
- ۱- جایگاه قواعد حقوق بشری در سلسله مراتب هنجاری موجود بر طبق ماده ۱۰۳ منشور ۳۱۴
- ۲- قواعد آمره: تعهد تخلف‌ناپذیر به حمایت از حقوق بنیادین بشر ۳۱۵
- ۳- ماده ۱۰۳ و حل تعارض میان تصمیمات شورای امنیت و قواعد آمره ۳۱۶
- جزء دوم: قاعد آمره و محدودیت‌های حقوق بشری حاکم بر انطباق شورای امنیت ۳۱۶
- الف - شورای امنیت و حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی: از حقوق حمایت از ارزش‌ها و منافع جامعه بین‌المللی ۳۱۷
- ب- التزام شورای امنیت در قبال تمامی قواعد حقوق بشری ۳۱۷
- ج- ماده ۱۰۳ و قطعنامه‌های مغایر با حقوق بشر شورای امنیت ۳۲۰
- د- اشکال خاص تعارض هنجاری میان قطعنامه‌های شورای امنیت و قواعد آمره ۳۲۰
- ۱- حمایت صریح شورای امنیت از نقض یک قاعده الزام آور ۳۲۱
- ۲- انفعال شورای امنیت در مواجهه با نقض قواعد آمره ۳۲۲
- ۳- قطعنامه‌های منجر به نقض قواعد آمره ۳۲۳
- جزء سوم: راهکارهای حقوقی در مورد حل تعارض میان قطعنامه‌های شورای امنیت و قواعد آمره ۳۲۴

الف- شیوه‌های جلوگیری از بروز تعارض میان قطعنامه‌های شورای امنیت

و قواعد آمره ۳۲۴

۱- تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت با توجه به قصد شورا ۳۲۴

۲- استفاده از شیوه‌های تفسیر تکاملی ۳۲۴

۳- عدم اعتبار قطعنامه‌های مغایر با قواعد آمره ۳۲۵

ب- ابزارهای به چالش کشاندن قطعنامه‌های مغایر با قواعد آمره ۳۲۵

۱- مرجع تعیین تجاوز تصمیمات شورای امنیت از حدود اختیارات قانونی ۳۲۵

۱- حق دولت‌های عضو در ارزیابی تصمیمات شورای امنیت ۳۲۶

۲- رزنگری بر تصمیمات شورای امنیت توسط دیوان بین‌المللی دادگستری ۳۲۸

۴- درخواست صدور نظر مشورتی جهت تجدید نظر در تصمیمات شورای امنیت ۳۳۱

جزء چهارم: تعارض مداخلات دولت‌ها در قبال حقوق بنیادین بشر در نظم حقوقی

اتحادیه اروپا و تعارض مداخلات با حق صلح و امنیت بین‌المللی در چارچوب شورای امنیت ۳۳۲

الف- حقوق بین‌الملل، حق بشر و نظم حقوقی مستقل اتحادیه اروپا ۳۳۳

ب- منشور ملل متحد و ایجاد سلسله مراتب میان قواعد در حقوق بین‌الملل ۳۳۵

۱- قواعد حقوق بشری: وابستگی به قسطنطنیه ناظر بر نظم عمومی ۳۳۶

جامعه بین‌المللی ۳۳۶

۲- لزوم برقراری موازنه میان قانون اساسی و قواعد آمره ۳۳۷

جزء پنجم: قضیه کادی و نهاده شدن ارزش‌های اساسی: نقایض تضایی غیرمستقیم

دیوان دادگستری اروپا بر شورای امنیت ۳۳۸

الف- قضیه کادی ۳۳۸

۱- رأی دادگاه بدوی ۳۴۰

۲- رأی دیوان دادگستری اروپا ۳۴۱

۳- ملاحظات پیرامون رویه قضایی اخیر در قضیه کادی ۳۴۲

ب- ملاک‌های حمایت قضایی در چارچوب نظم حقوقی اروپا ۳۴۳

ج- عدم جواز نقض قواعد آمره با استناد به ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد ۳۴۵

د- حل تعارض میان نظام حقوقی ملل متحد و نظام حقوقی اروپا بر مبنای ۳۴۵

حمایت از حقوق بنیادین بشر ۳۴۵

ه- ارزیابی ارتقای حمایت از حقوق بشر در شورای امنیت بعد از قضیه کادی ۳۴۶

- و- ارزیابی رویکرد اخیر اتحادیه اروپا در حل تعارض میان نظام حفظ صلح و امنیت و نظام حقوق بشر ۳۴۷

مبحث پنجم: انسانی تر شدن شیوه‌های حل تعارض میان قواعد

- در حقوق بین‌الملل معاصر ۳۴۹

جزء اول: اصل حمایت متقابل به عنوان یک اصل تفسیر و قانون‌ساز در حقوق بین‌الملل:

- نقطه عطفی برای یکپارچه‌سازی نظام‌های معارض ۳۴۹
الف- نگاه اصل حمایت متقابل ۳۵۱
ب- بانی اصل ۳۵۲
ج- وابستگی حمایت متقابل و توسعه‌یابدار به عنوان اصول تفسیر و روش‌های برقراری موازنه ۳۵۴
د- حمایت متقابل به عنوان یک اصل قانون‌ساز ۳۵۹

جزء دوم: نمونه‌های معاصر تعارض میان قواعد در حقوق بین‌الملل

- الف- تعارض میان اصل مصونیت دولتها و قواعد حقوق بشری ۳۶۱
۱- استثنای نقض تعهدات حقوق بشری با قواعد مصونیت قضایی دولت ۳۶۲
۲- تعارض میان مصونیت و قواعد آمره ۳۶۴
۳- حل تعارض میان مصونیت دولتها و تعهدات حقوق بشری با استناد به نظم عمومی بین‌المللی ۳۶۷
ب- تعارض اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها با اصل حاکمیت ملی ۳۶۸
ج- تعارض میان حقوق بشر و مبارزه با تروریسم ۳۷۰
۱- شیوه‌های جنگ علیه تروریسم و نقض تعهدات حقوق بشری ۳۷۱
۲- اتحادیه اروپا و ضمانت اجرای اقدامات شورای امنیت برای مبارزه با تروریسم ۳۷۲
د- تعارض میان مصونیت ارکان ملل متحد و حقوق بین‌الملل بشر ۳۷۵
ه- تعارض میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ۳۷۷
و- تعارض میان قواعد حقوق بشری و دکترین امنیت انسانی ۳۷۸
۱- توازن صلح، توسعه و حقوق بشر در پرتو مسئولیت حمایت ۳۷۹
۲- تعارض میان عملیات حفظ صلح و قواعد حقوق بشری ۳۸۰
ز- تعارض میان حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل اقتصادی ۳۸۲

- ۱- عوامل بروز تعارض میان قواعد زیست محیطی با سایر قواعد حقوق بین‌الملل ۳۸۲
- ۲- مناسبات متقابل حقوق محیط زیست و تجارت بین‌الملل ۳۸۴
- ۱-۲- تعارض آزادسازی تجارت و محیط زیست ۳۸۵
- ۲-۲- تفاهم آزادسازی تجارت و محیط زیست ۳۸۵
- ۳- محدودیت‌های زیست محیطی بر تجارت بین‌الملل در رویه قضایی بین‌المللی ۳۸۶
- ۱-۳- رویه نهادهای حقوق بشری ۳۸۶
- ۲-۲- رأی مرجع داوری ۳۸۸
- ۳-۳- رویه مرجع حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت ۳۸۹
- ۴- توسعه پانزده نقطه تلاقی اهداف تجارت بین‌الملل و حقوق محیط زیست ۳۹۰

۳۹۳

نتیجه

۴۱۱

منابع و مآخذ

مقدمه

حقوق نمی‌تواند جدا از واقعیت‌های زندگی باشد، بلکه بی‌تردید وسیله‌ای است برای حل معضلاتی که در زندگی روی می‌دهد. هیچ هنجار حقوقی و نیز هیچ نظام حقوقی را نمی‌توان یافت که شکل‌گیر را، مبتنی بر یک هدف معین که جنبه عملی دارد، نباشد. مسائلی که از سوی واقعیت‌های زندگی بر سیستم حقوقی تحمیل می‌شود، به طور دقیق قابل طبقه‌بندی نمی‌باشد و حتی در برخی موارد به طور کامل، قابل تفکیک از یکدیگر نمی‌باشند و در مواردی این تنگناها یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند و حتی ممکن است میان آنها تعارض به وجود آید. روز به روز به گونه‌ای حیرت‌انگیز بر سرعت تکرار اسناد حقوق بین‌الملل افزوده می‌گردد، تا آنجا که برخی از اندیشمندان از سیری ناپذیری جامعه بین‌المللی برای وضع قواعد حقوقی سخن به میان می‌آورند. از این رو مفهوم «تعارض» خصوصاً در دهه‌های اخیر در عرصه حقوق بین‌الملل، بیش از پیش از اهمیت برخوردار شده است. تا آنجا که در گزارش گروه مطالعاتی کمسیون حقوق بین‌الملل در مورد چندپارگی حقوق بین‌الملل، با اشاره به اهمیت موضوع تعارض میان قواعد حقوق بین‌الملل، تعریفی موسع از این مفهوم ارائه گردید، که بر طبق آن، تعارض هنگامی میان دو قاعده به وجود می‌آید که در صورت اجرای یکی از آنها، دیگری نقض شود یا امکان نقض آن وجود داشته باشد. قبل از آنکه محرز شود، میان قواعد تعارض وجود دارد، باید دقت نمود که اصل بر عدم تعارض است. «اصل عدم تعارض» یک اصل کاملاً پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل می‌باشد. مفسران این اصل را عنوان یک تکنیک جهت جلوگیری از بروز تعارض بکار می‌برند. بنابراین تنها در صورتی یک تعارض می‌تواند به وجود بیاید که خلاف این اصل ثابت شود.

در تعارض میان قواعد در حقوق بین‌الملل باید میان تعارض هنجاری و تعارض میان نظام‌ها تفکیک قائل شد. تعارض میان نظام‌ها تحت عنوان «تعارض سیستماتیک» یا «تعارض میان سیستمی» و تعارض میان هنجارها تحت عنوان تعارض «درون سیستمی» مطرح می‌باشد. در عمل ممکن است تفکیک میان تعارض هنجاری و تعارض میان نظام‌ها دشوار باشد.

تعارض میان سیستمی ناشی از معایرت اصول بنیادین یا اهداف کلی دو نظام می‌باشد به طور نمونه می‌توان به تعارض میان نظام حقوق بین‌الملل اقتصادی و نظام حقوق بشر یا تعارض میان نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه و نظام حقوق بین‌الملل بشر اشاره نمود. به رغم اینکه موضوع تعارض نظام‌ها در آثار حقوقدانان کلاسیک برجسته از گریسون گرفته تا واتل مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت، اما در عمل مورد توجه قرار نگرفت. دلیل این امر هم روشن است، زیرا به لحاظ کمیت، میزان تعارضات در آن زمان بسیار کمتر از دوران معاصر بود و حقوق بین‌الملل از تعداد اندکی از نظام‌های کاملاً مرتبط با یکدیگر تشکیل شده بود. قواعدی که در این سیستم برای حل تعارض میان نظام‌ها بکار می‌رفت، مبتنی بر این فرض بود که همه مقررات صرفنظر از منشأ و منبع آنها از وضعیت انسان برخوردارند. به طور نمونه قواعد عرفی در مقایسه با قواعد معاهده‌ای از ارزش یکسان برخوردارند، زیرا منشأ این قواعد منبعث از رضایت دولت‌ها بوده است. در حقوق بین‌الملل کلاسیک بسیاری از موضوعات از جمله حقوق بشر که در دوران معاصر، به لحاظ ماهیت برتر از سایر قواعد حقوقی می‌باشد، از شمول حقوق بین‌الملل خارج بود، زیرا با حاکمیت دولت‌ها ناسازگار و تعارض پیدا می‌کرد. در آن زمان، شیوه‌های حل تعارض عمدتاً "دوجانبه بوده و شیوه‌های حل تعارض عمدتاً" ناظر بر قواعد و هنجارهای حقوقی بوده و اساساً "تعارض میان نظام‌های حقوقی مختلف، مطرح نبوده است. در حقوق بین‌الملل معاصر، خصوصاً "متعاقب جنگ‌های اول و دوم جهانی، بر همگان روشن شد که دولت‌ها باید در راستای تحقق منافع جامعه بین‌المللی با یکدیگر همکاری نمایند و این همکاری باید در یک نظام حقوقی، قاعده مند شود. دولت‌ها درصدد برآمدند که حقوق بشر را تحت شمول نظام حقوق بین‌الملل درآورند و آن را متعلق به بشریت در عرصه جامعه بین‌المللی قلمداد نمودند. با توجه به روند رو به افزایش وابستگی متقابل دولت‌ها، ضرورت قانونمند کردن موضوعات بیشتری

مطرح شده و از این رو بر تعداد نظام‌های حقوقی بین‌الملل افزوده گردیده است و همین امر زمینه بروز تعارض میان نظام‌ها را فراهم می‌آورد. امروزه، منافع جامعه بین‌المللی، مفهوم الگوی دوجانبه تعارض را دستخوش تحول اساسی کرده است، خصوصاً با اعطای خصیصه «عام‌الشمول» به برخی از تعهدات و نیز ایجاد مفهوم قاعده آمره، یک سلسله مراتب هنجاری در قواعد حقوق بین‌الملل در حال شکل‌گیری است.

تعارض هنجاری ممکن است میان همه قواعد منابع حقوق بین‌الملل عمومی بروز کند. یک اصل کلی حقوق بین‌الملل می‌تواند در تعارض با یک قاعده معاهده‌ای باشد. همچنین تعارض می‌تواند میان معاهدات دوجانبه‌ای که طرف‌های یکسانی دارند، به وجود آید. همچنین ممکن است تعارض میان دو معاهده که لزوماً طرف‌های یکسانی ندارد، به وجود آید. پیچیدگی برین مسائل، مربوط به معاهدات چندجانبه است. تعارض میان معاهدات دوجانبه و چندجانبه نیز پیچیده است.

تعارض هنجاری ممکن است میان قواعد یک نظام حقوقی به وجود بیاید. به طور نمونه می‌توان به تعارض میان قواعد حقوق بشر اشاره نمود. حوزه حقوق بین‌الملل بشر به دلیل کثرت و تعدد نهادها و تورم فزاینده زمینه‌های بالقوه فراوانی جهت بروز تعارض دارد. در برخی موارد اعمال حقوق بشر افراد بر طبق اسناد و معاهدات مختلف در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرد، به طرز مثال در برخی موارد، اعمال حق منع شکنجه بر طبق کنوانسیون منع شکنجه می‌تواند در تعارض با اعمال این حق بر طبق اسناد منطقه‌ای حقوق بشر از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار گیرد. در این گونه تعارض‌ها با استناد به هدف اصلی حقوق بین‌الملل بشر که حمایت از افراد است، گفته می‌شود همواره باید قاعده «اجرای قانون مطلوب‌تر» در حل تعارض اولویت پیدا کند. باید به این معنا که معاهده‌ای باید ارجح دانسته شود که بیشترین حمایت را از افراد به عمل آورد، زیرا حمایت از حقوق بشر باید دارای سیر صعودی و نه نزولی باشد و معاهدات جدید نمی‌تواند استانداردهای مقرر شده در معاهدات قبلی را تنزل دهد. لیکن در عمل شاهد آن هستیم که کثرت نهادهای نظارتی و تعدد سازمان‌های بین‌المللی در حوزه حقوق بشر از ارزش عملی قاعده کاسته است. با توجه به اینکه معاهدات حقوق بشری عمدتاً اسناد مؤسس نهادهای بین‌المللی می‌باشند، نهادهای نظارتی در هنگام بروز تعارض میان سند مؤسس خود و سایر معاهدات حقوق بشری، اصولاً سند مؤسس

خود را - قطع نظر از اینکه آیا آن سند منافع بیشتری برای افراد دارد یا خیر - اعمال می‌کنند. با این همه اعمال قاعده «قانون مطلوب‌تر» اکنون در ارتباط با حل تعارضات میان قواعد حقوق بین‌الملل بشر از اهمیت زیادی برخوردار است.

در حقوق معاهدات هم تعارض افقی (تعارض میان معاهدات هم‌تراز) و هم تعارض عمودی (تعارض میان معاهدات بر اساس سلسله مراتب) مطرح است. بر طبق ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق معاهدات وین (۱۹۶۹)، در مورد معاهدات متوالی با موضوع واحد، در صورت تصریح معاهده به متابعت یا عدم مغایرت، از طریق قیود صریحی نظیر قید برتری معاهدۀ مقدم یا مؤخر و یا قید سازگاری میان معاهده مقدم و معاهده مؤخر، تعارض برطرف می‌گردد اما در صورت سکوت معاهدات، در مورد معاهدات متوالی با موضوع واحد با تشابه طرف، هر گاه معاهده مقدم فسخ نشده یا خاتمه نیافته باشد، معاهده مقدم فقط ناچای است. اما در مواردی که مقرر است که مقررات آن با مقررات معاهده مؤخر منطبق باشد. در مورد معاهدات متوالی بدون تشابه طرف‌ها، با اعمال اصل نسبی بودن معاهدات، هر یک از طرف‌ها فقط در قبال معاهدۀ خود که هر دو طرف نسبت به آن ملتزم هستند، متعهدند. بنابر این، یکی از شیوه‌های حل تعارض توجه به عنصر زمان می‌باشد که بر طبق آن، قاعده مؤخر، ناسخ قاعده مقدم می‌باشد. همچنین یکی دیگر از شیوه‌های حل تعارض در معاهدات، توجه به ماهیت و محتوای معاهدات و اجرای قاعده «خاص مخصص عام» می‌باشد. نکته حایز اهمیت این است که برخی از معاهدات اعم از اینکه نسبت به سایر معاهدات، مقدم یا مؤخر باشند، بر آنها برتری مطلق دارند. این گونه معاهدات سه دسته‌اند: دسته اول، معاهدات متضمن قواعد آمره‌ای که نه تنها نسبت به سایر معاهدات برتری مطلق دارند، بلکه ممکن است در صورت تعارض با سایر معاهدات، بنا به مورد آنها را باطل یا نسخ کنند. دسته دوم، معاهدات قانون‌ساز یا عام می‌باشند، طبق یک قاعده عرفی مسلم و عام، این معاهدات نسبت به معاهدات قراردادی یا خاص در اولویت قرار دارند. به طور نمونه می‌توان به کنوانسیون حقوق دریاهای (مصوب ۱۹۸۲) در مقایسه با معاهدات دوجانبه یا چندجانبه دیگر اشاره نمود. دسته سوم، منحصرًا در منشور ملل متحد قرار دارند. به موجب ماده ۱۰۳ منشور، در صورت تعارض میان تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق هر موافقتنامه بین‌المللی دیگر، تعهدات آنها به موجب این منشور مقدم خواهد بود. ماده ۱۰۳ منشور،

در حل تعارض میان قواعد حقوق بین‌الملل، قاعده برتر است و میان قواعد حقوق بین‌الملل، سلسله مراتب ایجاد کرده و منشور را در رأس هرم سلسله مراتب قرار داده است و کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) و کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۸۶) نیز آن را مورد تأیید قرار داده است.

با توجه به فقدان یک قانونگذار بین‌المللی واحد و تعدد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که مبادرت به وضع و اجرای قواعد می‌نمایند، سیستم حقوق بین‌الملل دارای عدم تمرکز می‌باشد. این امر، منجر به وجود سطح وسیعی از نورم‌های بین‌المللی می‌شود که منشأ آن از حقوق بین‌الملل عرفی، اصول کلی حقوقی و معاهدات دوجانبه و چندجانبه متعدد در مورد تجارت بین‌الملل، محیط زیست، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق دریایی و غیره می‌باشد.

قابلیت و امکان برقر تعارض میان نورم‌ها و قواعد بین‌المللی که ناشی از فقدان یک قانونگذار متمرکز در حقوق بین‌الملل می‌باشد، در حال افزایش است. واضح است که امروزه دیگر قواعد کلاسیک حقوق بین‌الملل در خصوص حل تعارض میان معاهدات بین‌المللی بر طبق کنوانسیون حقوق معاهدات وین نمی‌تواند به طور کامل پاسخگوی تعارضات موجود میان قواعد و هنجارها در حیطه حقوق بین‌الملل مبتنی بر همکاری و منافع جامعه باشد و باید با توجه به واقعیت‌های موجود در عرصه جامعه بین‌المللی مبادرت به حل تعارضات موجود میان قواعد و نورم‌های حقوق بین‌الملل نمود. امروزه با توجه به افزایش روند انسانی‌تر شدن حقوق بین‌الملل، ضرورت ایجاد می‌شود که در سطح بین‌المللی زمینه‌های لازم جهت حل تعارضات موجود میان حقوق بشر و سایر قواعد حقوقی با برتری حقوق بشر فراهم گردد. البته ساختار کنونی حقوق بین‌الملل امکان پذیرش برخی ادعاها مبنی بر وجود سلسله مراتب میان قواعد حقوق بشر و سایر موازین حقوق بین‌الملل را دشوار می‌کند. در اینجا دو راه حل وجود دارد: اول، اینکه با توسل به تفسیر مفاد حقوق بشری منشور ملل متحد، قواعد حقوق بشری در مقایسه با سایر قواعد از موقعیتی برتر برخوردار گردد، زیرا طبق ماده ۱۰۳ منشور، در صورت بروز تعارض میان تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق هر موافقتنامه بین‌المللی دیگر، تعهدات آنها به موجب این منشور مقدم خواهد بود، که البته این راه حل تا اندازه‌ای مبتنی بر تفسیر مبالغه‌آمیز از منشور خواهد بود. راه حل دوم که

به ما اجازه می‌دهد حقوق بشر را برتر از قواعد دیگر حقوق بین‌الملل قلمداد نماییم این است که آنها را در زمره قواعد آمره بدانیم. اما با توجه به وجود اختلاف نظر در مورد عام‌الشمول بودن تمام تعهدات حقوق بشری، اعطای خصیصه آمره به آنها نیز به طریق اولی اختلاف نظرانی را در پی خواهد داشت. در هر حال آنچه مسلم است اینکه امروزه یکی از ضرورت‌های نظام حقوق بین‌الملل، تبیین مکانیسم‌های حل تعارضات موجود میان قواعد آن می‌باشد. بی‌تردید در پرتو این تبیین می‌توان بر متکامل بودن و کارایی حقوق بین‌الملل به عنوان یک شاخه از حقوق تأکید نمود. موضع تعارض میان تعهدات دولتی، عضو ملل متحد بر طبق منشور ملل متحد و تعهدات حقوق بشری دولتها بر طبق اسناد و معاهدات منطقه‌ای از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اکنون به عنوان یکی از موضوعات مهم در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود. در این ارتباط می‌توان به رأی اخیر دیوان دادگستری اروپا در قضیه کادی اشاره نمود. دیوان در این قضیه صراحتاً اذعان نموده است که نمی‌توان به شورای امنیت، مجوز داد قواعد اساسی حقوق بشر را نادیده بگیرد. مضاف بر اینکه دولت‌های عضو اتحادیه اروپا نمی‌توانند صرفاً با استناد به قطعنامه‌ها و الزامات شورای امنیت بر طبق مفاد منشور ملل متحد، از ایفای تعهدات حقوق بشری خود بر طبق اسناد و معاهدات اروپایی استنکاف ورزند. دیوان دادگستری اروپا در این قضیه، برتری مفاد منشور ملل متحد در مقایسه با تعهدات حقوق بشری دولتها را با تردیدهای جدی مواجه نکرد و آن را به چالش کشانده است.

امروزه توسعه حقوق بین‌الملل بشر به عنوان یکی از واقعیت‌های موجود در عرصه جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است. کثرت اسناد بین‌المللی بین بشر بعد از جنگ جهانی دوم در چارچوب جهانی و منطقه‌ای خود می‌تواند گواهی بر این امر باشد. البته لازم به ذکر است که توسعه حقوق بین‌الملل بشر صرفاً به کثرت اسناد محدود نمی‌شود، بلکه این قواعد دارای جنبه عرفی می‌باشند و این توسعه کیفی، کل جامعه بین‌المللی را و نه فقط دولت‌های عضو این اسناد و معاهدات را تحت پوشش قرار داده است. قواعد حقوق بین‌الملل بشر، نماد ارزش‌های مشترک بین‌المللی هستند و اسناد و یا قالب‌های حقوقی (Act) در مورد آنها تحت تأثیر جنبه‌های هنجاری قاعده قرار می‌گیرد. نکته بسیار حایز اهمیت این است که قواعد حقوق بین‌الملل بشر به لحاظ غایتی که دارند تمام حوزه‌های حقوق بین‌الملل را از جمله حوزه صلح و امنیت بین‌المللی، حقوق

بین الملل اقتصادی، سرمایه گذاری، محیط زیست و سایر شاخه های حقوق بین الملل را تحت تأثیر قرار داده است. به نظر برخی از اساتید و حقوق دانان، حقوق بین الملل بشر، مشتمل بر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می باشد که البته لازم به توضیح است که در پژوهش حاضر، مقصود از حقوق بین الملل بشر، قواعد حقوق بشر می باشد.

سوال اصلی تحقیق حاضر این است که آیا توسعه حقوق بین الملل بشر، شیوه های حل تعارض میان قواعد حقوق بین الملل را تحت تأثیر قرار داده است؟ سوالات فرعی نیز عبارتند از این که: آیا شیوه های کلاسیک حل تعارض میان قواعد که مبتنی بر منافع متقابل است، در حل تعارضات موجود در میان کلیه قواعد حقوق بین الملل به ویژه با توجه به توسعه حقوق بین الملل بشر، از کارآیی لازم برخوردار است؟ آیا در ساختار کنونی حقوق بین الملل، می توان تعارضات موجود در میان قواعد را - که دربرگیرنده تعارض افقی (تعارض میان ماهیات همطراز) و تعارض عمودی (تعارض میان منشور ملل متحد و سایر معاهدات بر اساس سلسله مراتب) است- بر مبنای ایجاد یک سلسله مراتب هنجاری حل نمود؟

فرضیه اصلی تحقیق حاضر این است که امروزه با توجه به روند انسانی شدن حقوق بین الملل، قواعد حقوق بین الملل بشر به عنوان قواعد برتر در حل تعارضات موجود در میان قواعد حقوق بین الملل اعمال می گردد.

فرضیه های فرعی نیز عبارتند از اینکه: شیوه های کلاسیک حل تعارض قواعد بر طبق کنوانسیون حقوق معاهدات وین دیگر نمی تواند به طور کامل پاسخگوی تعارضات موجود میان قواعد در حقوق بین الملل باشد؛ در حقوق بین الملل یک سلسله مراتب میان قواعد در حال شکل گیری است که بر طبق آن برخی قواعد - از این که مقدم یا مؤخر و نیز عام یا خاص باشند- نسبت به سایر قواعد، بر آنها برتری مطلق دارند. برخی از اهم اهداف تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. حل تعارض میان قواعد حقوق بین الملل یکی از موضوعات کاملاً کاربردی برای دولت ها در عرصه جامعه بین المللی می باشد، که تاکنون در آثار حقوق دانان عمدتاً به ابعاد کلاسیک موضوع که مبتنی بر حقوق معاهدات می باشد، پرداخته شده است. این موضوع با توجه به عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در معاهدات بین المللی متعدد و به عنوان یکی از اعضای ملل متحد می تواند دارای جنبه های عملی مفید نیز باشد.

تبیین شیوه‌های حل تعارض قواعد حقوق بین‌الملل در پرتو توسعه و تحولات حقوق بین‌الملل که در حال گذار از حقوق مبتنی بر همزیستی به حقوق مبتنی بر همکاری می‌باشد، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

۲. بروز تعارض میان قواعد و هنجارها، یکی از ویژگی‌های ذاتی نظام حقوق بین‌الملل به عنوان یک نظام حقوقی محسوب می‌گردد. از این رو، بررسی مکانیسم‌های حل تعارض میان قواعد در حقوق بین‌الملل می‌تواند میزان کارآمدی و تکامل‌یافتگی حقوق بین‌الملل را به عنوان یک نظام حقوقی تبیین نماید.

۳. با توجه به قانونمند شدن بسیاری از موضوعات در عرصه حقوق بین‌الملل و افزایش وابستگی متقابل میان دولت‌ها در عرصه جامعه بین‌المللی، آگاهی از شیوه‌های حل تعارض میان قواعد حقوق بین‌الملل و بکار بستن آنها یکی از لازمه‌های زیست بین‌المللی دولت‌ها محسوب می‌گردد. دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای جامعه بین‌الملل که دارای استراتژی‌های خاص در راستای حمایت از منافع کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته می‌باشد، می‌تواند با بهره جستن از نتایج تحقیقات به عمل آمده در پژوهش حاضر، هرچه بیشتر در راستای تأمین منافع ملی و نیز تأمین منافع کشورهای هدف، گام بردارد.